

تاج

بصفت عجب این جان را
بوالعجب عفت مردم قراره
از می و از د اعلیٰ مردمان
از سلام علیکشان کم و امان

که دو هم ز ما نیست

مستندت پیر و عشق

در دنیا و درم بد کون

اینست بدایه دارا

ای که پست بود جانی را
بکطرف کرده نشانی را
و نه نامی نیست جدا کا
تا صفی است که خدای را

دل سرا پرده مجتبیست

و از احوال ایشان را از سر

دیده آینه دار طاعتیست

از چشمش با بر سپه

